

بحثی در ابتدای ماه‌های قمری

محمدعلی تسخیری / محمدعلی اسدی‌نسب

فصلنامه اندیشه تقریب، ش چهارم، پاییز ۸۴

چکیده: بحث اصلی آن است که، هرگاه دوره طبیعی ماه جدید آغاز شده باشد، ولی ما نتوانیم آن را ببینیم یا در شهری رؤیت ماه حاصل شود، اما در شهر دیگری دیده نشود، چه باید کرد. اگر ندیدن ماه در شهری فقط به سبب ابری بودن هوا باشد، رؤیت ماه در شهر دیگری برای ساکنان شهر اول کافی خواهد بود. گاهی علت اختلاف رؤیت، اختلاف افق دو شهر است که، باید متون دینی را بررسی کنیم. در این زمینه هم میان اهل سنت و هم شیعه اختلاف است. عالمان شیعی معتقدند، رؤیت ماه در شهر هم‌افق یا قریب‌الافق برای اثبات هلال کفایت می‌کند؛ اما برای شهرهای بعید‌الافق، مشهور، عدم کفایت است؛ اما افراد قابل توجهی از فقیهان متأخر باز آن را کافی می‌دانند. میان عالمان سنی، در کتاب مغنیه آمده که حنفیه، مالکیه و حنبلی‌ها رؤیت را هر کجای زمین کافی می‌دانند؛ اما شافعیه، معتقد به عدم کفایت است و قریب‌الافق بودن را شرط کفایت می‌داند. در هر حال نمی‌توان برهان قاطعی بر وحدت زمان هلال اقامه کرد؛ پس نمی‌توان فرد یا دولتی را به تعیین هلال واداشت و نباید در این مباحث از جهانیان واهمه داشته باشیم؛ بلکه باید طبق اصول و ادله خود حرکت کنیم. یگانه راه قطعی، دستور و لایحه امر مسلمانان بر تعیین وقت هلال است که ادله شرعی کافی برای پذیرش آن وجود دارد.

بازتاب اندیشه ۷۱

۷۰
بحثی در
ابتدای
ماه‌های قمری

هر ماه با خارج شدن از جایگاه خود، که میان زمین و خورشید است، آغاز می‌شود (همان وقتی که جهت تاریک ماه، در مقابل زمین قرار می‌گیرد و بدین سبب برای ساکنان زمین دیده نمی‌شود). ماه با خارج شدن از این محل، آغاز می‌شود که ناحیه نصف روشن آن به شکل هلال، شروع می‌شود (و این حالت، شروع حرکت اقترانی نام دارد) و ماه هر قدر از زمان پنهان شدن خود فاصله گیرد، مساحت قسمتی که برای ما ظاهر شده، افزون‌تر می‌شود تا

جایی که همه نصف آن به شکل «بدر» برای ما آشکار خواهد شد، که زمین در این زمان، میان ماه و خورشید قرار می‌گیرد.

در ابتدای ماه، ظهور هلال در محل غروب خورشید حاصل می‌شود و در این حالت مدت اندکی در بالای افق قرار دارد و پس از آن پنهان می‌شود؛ به همین علت، گاهی رؤیت ماه دشوار یا غیر ممکن است؛ مانند موارد ذیل:

الف) هلال ماه بعد از غروب خورشید بالای افق غربی، در زمان کمی ظاهر، پس از آن در زیر افق غربی پنهان شود که در این صورت، ظهورش آشکار نخواهد بود و چه بسا رؤیت آن مشکل یا غیر ممکن باشد.

ب) قسمت روشن هلال در مقابل زمین قرار گیرد و پس از آن در زیر افق، قبل از غروب خورشید پنهان شود که در این هنگام، تا زمانی که خورشید پیدا است، امکان رؤیت هلال وجود ندارد.

ج) ناحیه نورانی ماه که مقابل زمین است، بسیار اندک باشد؛ به سبب آن که در ابتدای خروج از حالت پنهان شدن است که در این وقت، با چشم غیر مسلح دیده نمی‌شود.

در تمام حالات سه گانه، در واقع دوره طبیعی ماه آغاز شده است و فقط ما نتوانسته‌ایم آن را نگاه کنیم؛ اما ماه شرعی با مفهومی که دارد، هنوز شروع نشده است و شروع ماه شرعی فقط بر دو امر توقف دارد:

امر اول: ماه از محل پنهان شده خود، شروع به خارج شدن کند و قسمت روشن آن مقابل زمین قرار گیرد.

امر دوم: با چشمان عادی و غیر مسلح، منطقه روشن ماه دیده شود؛ به همین علت، گاهی ماه شرعی از ماه فلکی و طبیعی به تأخیر می‌افتد.

در شریعت اسلامی، معیار دیدن ماه فقط با چشم است، نه دیدن به هر شکل؛ گرچه با ابزار باشد، که در این صورت، وجود مانع از رؤیت هلال مانند ابر و مه ضرری به آن نخواهد رساند. همچنین معیار، رؤیت ماه با ابزار علمی نیست. معیار فقط دیدن با چشم معمول و بدون ابزار است.

مسئله اختلاف شهرها در رؤیت ماه

گاهی هلال ماه در شهری دیده می‌شود؛ اما در شهر دیگری دیده نمی‌شود. در چنین وضعی حکم چیست؟

در پاسخ این پرسش گفته می‌شود که ندیدن ماه، گاهی به سبب وجود مانعی مانند ابری

بودن هوا است. در این صورت، شکی نیست که رؤیت هلال در یک شهر، برای شهری که دارای آسمانی ابری است، کفایت می‌کند.

گاهی عدم رؤیت هلال به علت اختلاف افق است؛ چه اختلاف در طول یا عرض و یا هم طول و عرض باشد.

آغاز ماه به مفهوم شرعی آن، امری نسبی خواهد بود. چه ما معتقد شویم که در واقع، خارج شدن ماه از حالت پنهانی خود امری نسبی یا امری طبیعی و واحدی است که تکرار نمی‌شود (چون در مفهوم محاق و حالت پنهان شدن ماه دو نظریه است). برخی می‌گویند: این حالت در اثر قرار گرفتن مرکز ماه بر روی خطی است که بین مرکز زمین و خورشید تصویر می‌شود که در این صورت، ماه از دید همه اهل زمین، پنهان خواهد شد و برخی نیز معتقدند که، حالت پنهان شدن (محاق) ماه، بر اساس قرار گرفتن جهت تاریک ماه با منطقه‌ای از زمین است، که امری نسبی خواهد بود.

لازم است به متون شرعی رجوع شود تا بدانیم که آیا شارع مقدس امکان دیدن ماه را در مکانی از زمین برای مکان‌های دیگر در شروع ماه جدید کافی می‌داند یا چنین رؤیتی را برای مکان‌های دیگر معتبر نمی‌داند.

دیدگاه عالمان شیعه

دانشمندان شیعه همگی بر این نکته توافق دارند که، رؤیت ماه در شهری برای شهرهای قریب الاقرب نیز کفایت می‌کند؛ چون در چنین حالتی علم پیدا می‌شود که ندیدن ماه در شهرهای قریب الاقرب، به علت مانعی بوده است؛ اما درباره شهرهای دور که دارای افق‌های گوناگونی هستند، گفته شده که عالمان گذشته به این مسئله اشاره نکرده‌اند؛ اما رأی مشهور عالمان متأخر آن است که رؤیت هلال در شهری برای شهرهای دیگر که در افق با آن شهر مختلف است، کافی نیست و نمی‌توان آن را ابتدای ماه شرعی برای شهرهای دیگر برشمرد؛ البته تعدادی از عالمان و محققان شیعه به کفایت رؤیت در یک شهر برای شهرهای دیگر معتقد شده‌اند.

دیدگاه عالمان غیر شیعه

امام محمد غزالی در کتاب احیاء الدین گفته است: هر گاه هلال در شهری دیده شود، اما در شهر دیگری دیده نشود و بین آن دو از نظر مسافت، کمتر از مسیر دو روز فاصله باشد، روزه بر اهل دو شهر واجب است؛ ولی اگر مسافت بیشتری باشد، هر شهری حکم خاص خود را

دارد و در این صورت، وجوب روزه از شهری به شهر دیگر سرایت نمی‌کند.^۱

ادله طرفداران کفایت رؤیت هلال در شهری برای شهرهای دیگر

پیش از هر چیزی، سوره قدر را یادآور شده‌اند که دلالت می‌کند، شب قدر فقط یک شب برای اهل زمین است با اختلافی که در افق‌های شهرهای ساکنان آن وجود دارد؛ به علت آن که قرآن کریم در یک شب نازل شده و این شب همان شب قدر است، که بر هزار ماه برتری دارد و در آن، امور بر اساس حکمت الاهی تدبیر و جدا می‌شود.^۲ و همه مناطق کره زمین را در بر می‌گیرد.

روایتی نیز از طریق ابی الجارود نقل شده و می‌گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که می‌فرماید: روزه بگیر زمانی که مردم روزه می‌گیرند و افطار کن؛ آن گاه که مردم افطار می‌کنند؛ چرا که خداوند، هلال‌ها را زمان تعیین وقت‌ها، برای مردم قرار داده است.^۳

به آنچه در دعای قنوت نماز عید ذکر شده، تمسک کرده‌اند: خدایا! از تو مسألت دارم به حق این روز، که برای مسلمانان عید قرار داده‌ای^۴، و نیز دعای روایت شده از امامان معصوم را ذکر کرده‌اند، که در آن آمده است: رؤیت آن‌را برای همه مردم، رؤیت یکسان قرار داده‌ای. استدلال‌های آنان به سکوت همه روایات ختم شده که هیچ یک، وحدت افق را در مسئله رؤیت معتبر نکرده و حتی در روایات ضعیف هم از وحدت افق ذکر نشده است.

ادله مخالفان کفایت رؤیت هلال در شهری برای شهرهای دیگر

آنچه در گفتار این مخالفان ظهور دارد، از همان ابتدا تأکید بر مسئله «انصراف» عرفی است، که از تعبیر «رؤیت در شهر دیگر» استفاده کرده‌اند به شکلی که تعبیر «شهر دیگر» درست، و مطلق است و شامل همه شهرهای دیگر می‌شود؛ اما منصرف و متمایل به شهری است که با شهری که رؤیت حاصل شده از نظر طول و عرض، قریب الافق هستند؛ پس در این حالت، قاعده فقط در خصوص شهرهای نزدیک به هم، رأی به وحدت حکم می‌دهد و آن گاه که دقت کنیم، می‌بینیم این انصراف عرفی با توجه به مسائل ذیل مورد تأکید واقع می‌شود:

الف) بعید پنداشتن این مسئله، که در روایتی تعبیر «شهر دیگر» را دارد، نظر به شهرهایی هم داشته باشد که در دورترین نقطه زمین قرار دارد.

ب) تأکید عرف بر تشبیه و قیاس اختلاف اوقات طلوع قمری، بر اوقات مختلف

۳. همان، ص ۱۶۴، ح ۴۶۲

۱. احیاء الدین، ج ۱، ص ۲۳۲ ۲. دخان، ۴:۴۴

۴. مصباح‌المتنجد، ص ۶۴۵

طلوع‌های خورشیدی، به رغم بطلان این قیاس. اما در هر حال، این باور عرفی باعث منصرف کردن ظهور کلام از شمول همه شهرها می‌شود و این مسئله سبب می‌شود که، اگر به واقع منظور از «شهر دیگر» اعم از شهرهای نزدیک و دور بوده، لازم بود در خود روایات تصریح می‌شد، که فرقی میان شهر نزدیک یا دور نیست و چون چنین تصریحی در روایات موجود نیست، همان باور عرف و فهم عرفی که از تعبیر «شهر دیگر» فقط شهر نزدیک را می‌فهمد، پذیرفته شده است.

از استدلال طرفداران کفایت رؤیت به سوره قدر پاسخ داده می‌شود، که شاید آن شب، در علم خداوند فقط یک شب است و این مسئله با حکم ظاهری این شهر با دیگری فرق دارد، نیز شاید از استدلال آنها به گفتار پیامبر ﷺ (روزه بگیرید تا رؤیت، و افطار کنید با رؤیت) چنین پاسخ داده شود که حکم گرچه کلی و عمومی است، به اندازه افراد و شهرهای متعدد، این حکم نیز منحل و متعدد می‌شود به ویژه آن که قاعده «انصراف» ذکر شده راهم، مد نظر قرار دهیم.

این که گفتند روایات از اعتبار وحدت افق ساکت است، همین سکوت می‌تواند دلیل ضد طرفداران کفایت رؤیت باشد؛ زیرا این روایات از بیان عدم فرق میان شهرهای دور و نزدیک ساکتند، به رغم آن که متعارف میان مردم، وجود این فرق است؛ پس اگر روایات در صدد عدم فرق شهر نزدیک یا دور بود، می‌بایست این عدم فرق را بیان می‌کرد.

در هر حال، منشأ این مسئله به فهم ظاهر کلام برمی‌گردد؛ پس نمی‌توان برهان قاطعی اقامه کرد؛ چرا که در مسئله، متن صریحی نداریم. بر این اساس، ما معتقدیم که مسئله یگانه کردن ماه‌های قمری، امری است که با این اختلاف‌ها تا زمانی که وجود دارند، سازگاری ندارد و امکان بهره‌برداری و رسیدن به نظام کلی نیست؛ طبیعی است تا وقتی اوضاع چنین است، امکان اجبار فرد یا دولتی به نظام خاصی که گاهی هم آن را باور ندارد، ممکن نیست؛ پس چگونه امکان دارد بیانیه‌ای بر وحدت ابتدای ماه صادر شود. بله، مگر ولی امر مسلمانان در این زمینه، دستوری صادر کند.

اما با این همه، ما از سودجویی سیاسی پست از این مسئله شریف ترسانیم.

در پایان می‌گوییم: هر گاه ما به شریعت خود تمسک جویم و به حق و همراه دقت سخن گویم، پیروزم و آنچه جهانیان درباره ما می‌گویند چندان مهم نخواهد بود و به همین سبب است که اعتراض خویش را به استناد برخی از عالمان به «دیدگاه جهانی» یادآور می‌شویم؛

پس مهم نزد ما، تحقق بخشیدن به خواست شریعت اسلامی است و دانستیم که مسئله رؤیت هلال، مسئله‌ای اختلافی است و در آن اجماعی نیست.

● اشاره

۱. واقعیت و کیفیت شروع ماه:

نویسنده محترم در ابتدای مقاله، سه مطلب را برای روشن‌تر شدن بحث مطرح کرده است، که مطلب سوم به نحوه شروع ماه مربوط می‌شود. مطلب یاد شده از جهاتی قابل بررسی و بازاندیشی است.

۱. شروع ماه قمری با خروج جرم ماه از محاق تحقق می‌یابد و محاق به قرار گرفتن کامل ماه، در مقابل زمین، از سمت خورشید در مدار خودش گفته می‌شود. یعنی ماه در مداری با زاویه پنج درجه از منطقه البروج به دور زمین می‌گردد، که فقط در دو نقطه اعتدال پاییزی و بهاری، دقیقاً در مقابل زمین و خورشید قرار می‌گیرد؛ که ماه یا خورشیدگرفتگی کامل اتفاق می‌افتد و این عبور از نقاط اعتدال، لزوماً در ابتدای ماه قمری نیست. بنابراین برخلاف تصور نویسنده، ماه از میان زمین و خورشید خارج نمی‌شود تا با این خروج قسمت تاریک ماه که در مقابل زمین قرار گرفته، روشن شود؛ بلکه آغاز ماه، با خروج ماه از نقطه مداری قرار گرفته در سمت خورشید، تحقق می‌یابد.

۲. از سوی دیگر ندیدن تولد ماه و خروج آن از محاق توسط انسان، به هیچ روی به شروع ماه یا اتمام واقعی و طبیعی آن لطمه و آسیبی نمی‌رساند و در واقع هیچ دلیل و مدرکی در دست نیست که به خاطر دیده نشدن هلال، تمایزی بین ماه طبیعی و شرعی قائل بشویم. چرا که احکام شرعی، بر اساس نظام تکوین و خلقت طبیعی عالم ماده، تشریح شده است و از لحاظ عقلی، امکان ندارد که شارع مقدس برخلاف روند طبیعی عالم خلقت، حکم شرعی جعل کند.

۳. دیده نشدن ماه:

بنا به ادعای نویسنده محترم، علاوه بر آغاز ماه طبیعی، ملاک و معیار آغاز ماه شرعی، مشاهده و رؤیت هلال ماه می‌باشد. یعنی اگر ماه طبیعی در واقع امر آغاز شده باشد در صورتی می‌توان آن را شروع ماه شرعی قمری دانست که، هلال اول ماه در افق دیده شود. در اینجا چند نکته قابل توجه است:

الف) رؤیت، موضوعیت و انحصار در اثبات آغازین ماه ندارد. بلکه فقط به عنوان یک روش از چندین طریق علم یافتن به آغاز ماه به شمار می‌رود. زیرا غیر از رؤیت، چندین طریق دیگر (در روایات) برای عمل به تکلیف اول ماه ارائه شده است. مثل حساب حد وسط بیست و نه روز و سی روز ماه‌ها به صورت یک در میان، و تکیه بر طول و عرض جغرافیایی و ارتفاع افق شهرها. وانگهی از لحاظ فقهی، کسی که به موضوعی قطع پیدا کند،

به هیچ روی نمی‌توان از عمل به قطع او ممانعت کرد، زیرا قطع فی نفسه حجت است و شارع نه حق جعل حجیت آن را دارد و نه نهی از حجیت آن. مثلاً کسی که از طریق تلسکوپ به شروع ماه یقین حاصل کرد، و یا از طریق محاسبه نجومی یا محاسبات ابزاری چون اسطرلاب و غیره، آیا شرعاً به عمل اول ماه مکلف نیست؟ مسلماً مکلف است. بنابراین هیچ دلیلی بر استثنا و قید چنین حکم کلی و مطلق وجود ندارد.

ب) رؤیت، مطلق است (از لحاظ معنا)، یعنی با خروج ماه از محاق، هلال اول این خروج در هر نقطه از کره زمین که رؤیت شود برای آن نیم کره از زمین که در شب واقع هستند حجت خواهد بود؛ زیرا دلیلی برای تفکیک مناطق و افقها از یکدیگر وجود ندارد. پس اگر هم رؤیت ملاک باشد، رؤیت مطلق ملاک است نه رؤیت مقید به افق، زیرا چنین تقییدی در روایات وجود ندارد.

ج) از لحاظ مصداق رؤیت، دلیلی در دست نیست که رؤیت را، در رؤیت با چشم معمولی و غیر مسلح به ابزار مقید سازیم.

۴. اختلاف شهرها و ارتباط آن با آغاز ماه:

با توجه به توضیحات پیشین روشن می‌شود که، اختلاف شهرها در رؤیت، ارتباط اساسی با آغاز ماه شرعی (به تعبیر نویسنده) ندارد. زیرا با خروج ماه از محاق و ظهور نخستین هلال از اهله آن در نقطه‌ای از آسمان، در هر منطقه‌ای از کره زمین که باشد، بدون ناظر و استدلال کنندگان زمین نیز، ماه شروع شده است. ماهی که بر اساس آن احکام طبیعی، تکوینی جریان یافته و احکام شرعی با رؤیت همان هلال جاری می‌شود. یعنی چنین هلالی چه رؤیت شود و چه دور از دیدگان رؤیت کنندگان قرار گیرد (به هر دلیلی دیده نشود) همان هلال آغاز ماه به شمار می‌آید. مثلاً در روایتی از امام معصوم وارد شده است که «راوی پرسیده است من هلال را در روز روشن دیده‌ام، تکلیف چیست؟ امام در پاسخ به وی فرموده است که اگر هلال را قبل از زوال ظهر دیده‌ای همان روز برای تو عید یا روز نخست رمضان است و اگر آن را بعد از زوال ظهر دیده‌ای آن‌گاه فردای آن روز چنین حکمی را خواهد داشت.»

حال سؤال این است که، اگر رؤیت فی نفسه موضوعیت داشته و آغاز ماه با آن ثابت می‌شود، چرا امام در صورت قبل از زوال، همان روز را و بعد از زوال نیز، روز بعد را مطرح فرمود. وانگهی در فرض قبل از زوال، رؤیت کننده همان روز را (اگر عید است) باید عید کند و اگر رمضان است باید قضای آن را به جای آورد. زیرا به‌رغم ندیدن آغاز ماه، ماه در واقع امر آغاز شده است. بنابراین اختلاف شهرها در رؤیت ارتباط اساسی با آغاز ماه ندارد.

از طرفی، نویسنده به متعارف مردم اشاره کرده و گفته، چون متعارف مردم، وجود فرق میان افق‌ها است پس ساکت بودن روایات از ذکر این فرق، دلیلی بر ضد طرفداران

وحدت آفاق است و باید بر فرق حمل شوند. با اندک تأملی در مسئله متعارف بودن کثرت آفاق و سکوت روایات، روشن می‌شود که در واقع کثرت آفاق رؤیت هلال و انحصار رؤیت هراقق به همان افق، متعارف مردم نیست؛ بلکه متعارف مردم، تعدد و کثرت شهرها، و از طرفی دور یا نزدیک بودن آنها نسبت یکدیگر است و این امری کاملاً متفاوت از کثرت افق رؤیت هلال می‌باشد. زیرا هلال در واقع امر چگونه و در چه شرایطی رؤیت می‌شود و رؤیت آن در آسمان به چه میزانی با مدت زمان یک ماه کامل در ارتباط است، امری غیرعرفی بوده و به دانش نجوم و حرکت اجرام سماوی مرتبط است. بنابراین به این راحتی نمی‌توان روایات را به، کثرت آفاق که در پندار برخی‌ها متعارف مردم است حمل نمود.

از سوی دیگر، اگر رؤیت هلال در شهری از شهرهای کره زمین، به هر دلیل و تحت هر شرایطی مقدور نباشد، درحالی‌که در یکی دیگر از شهرها (نزدیک یا دور) رؤیت مشاهده شده باشد، بر اساس روایات، رؤیت این شهر به شهر قبلی کفایت می‌کند. اما این کفایت در روایات به طور مطلق و عام است و هیچ نوع تقیید یا تخصیصی ندارد. و این که بدون دلیل نقلی و علمی آن‌را، به شهرهای نزدیک مقید کرده و تخصیص بزنیم، کاری لغو و بیهوده انجام داده‌ایم. این در حالی است که، برخی از فقهای اهل سنت و حتی عده‌ای از فقهای شیعی، این کفایت را نیز به مسافت‌هایی نظیر بیست و چهار فرسخ، سی فرسخ مقید کرده‌اند! درحالی‌که نه سند نقلی دارند و نه دلیل علمی.

بنابراین اگر قرار باشد که بر اساس روایات به کفایت رؤیت شهری به شهر دیگر حکم کنیم دلیلی برای منحصر کردن آن بر شهرهای نزدیک نداریم و اگر در یک نقطه از کره خاکی رؤیت تحقق یافت، به همه شهرهای کره خاکی در نیم کره واقع در محدوده رؤیت، حجت و کافی خواهد بود.

اینکه دو نیم کره را مطرح کردیم بدین جهت است که، اختلاف زمانی-مکانی رؤیت هلال از لحاظ فلکی و موقعیت فضایی ماه در مدار سیستیم ماه زمین-خورشید، حداکثر تا دوازده ساعت است، یعنی اگر از جزایر انگلیس تا جزایر ژاپن را در نظر بگیریم غربی‌ترین جزایر (یعنی جزایر انگلیس) اولین شهرها و افق‌هایی خواهند بود که خروج ماه از محاق را رؤیت خواهند کرد و تا دوازده ساعت آینده مناطق گسترده تا جزایر شرقی (یعنی جزایر ژاپن) در موقعیت نجومی آن قرار خواهند گرفت که در یک شب قرار دارند. از همان جزایر شرقی که برای نیم کره بعدی جزایری غربی به حساب می‌آیند، تا جزایر غربی که به نیم کره بعدی جزایر شرقی محسوب می‌شوند، در شب دیگر قرار می‌گیرند که آنها نیز در دوازده ساعت آینده در موقعیت رؤیت هلال تازه متولد شده قرار گرفته و آن‌را رؤیت خواهند کرد. با این توضیح روشن می‌شود که، برای کل کره زمین فقط یک ماه حقیقی و واقعی قمری وجود دارد که حداکثر تا دوازده ساعت در رؤیت اختلاف خواهند داشت. بنابراین تقسیم ماه به طبیعی و شرعی بیهوده خواهد بود.